

آسیب‌شناسی قیام مردم بحرین؛ در قالب جنبش‌های اجتماعی نوین

هادی آجیلی^{۱*}

کیهان گودرزی^۲

وحید شربتی^۳

۱. استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های جدید که تا حدودی قابلیت توضیح دهندگی خیزش اخیر اعراب را دارد نظریه جنبش‌های اجتماعی معاصر است. با توجه به تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز ویژگی‌های متمایزکننده آن با تحولات و جنبش‌های قرون اخیر، هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی تحولات بحرین با روشی توصیفی و تحلیلی و بررسی این جنبش در قالب تئوری جنبش‌های اجتماعی نوین می‌باشد. این مقاله با طرح این سوال که چرا علی‌رغم تشابه تحولات موجود در بحرین با تحولات رخ داده در کشورهایمانند مصر و تونس، جنبش ادامه دار مردم این کشور که از فوریه ۲۰۱۱ شروع شد، علی‌رغم برخی دستاوردها به سقوط حکومت منجر نشد و تاحدودی نیز سرکوب گردید؟ همچنین این مقاله فرضیه اصلی خود را بدین گونه قرار داده است که، «با توجه به نظریه جنبش‌های اجتماعی نوین، این جنبش به دلایلی همچون: تناقض حمایت رسانه‌ای، سرکوب خارجی و ضعف جامعه مدنی، به نتیجه نرسیده و به سرنوشت مشابه در سایر کشورهای درگیر تحولات اخیر منتج نشده است.» یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که قیام مردمی در بحرین به دلیل موانع داخلی و خارجی که در مقاله ذکر خواهد شد به مشابه آنچه در تونس و مصر اتفاق افتاد، منتج نشد.

واژگان کلیدی: قیام‌های خاورمیانه، بحرین، جنبش‌های اجتماعی نوین، جامعه مدنی.

پژوهشهای بسیاری در جهت توصیف و تحلیل خیزشهای اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا صورت گرفته است و هرکدام از آن‌ها به نوعی سعی داشته‌اند به چیستی، چرایی و چگونگی این تحولات بپردازند و از منظرهای مختلف این تحولات را رصد کنند. آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌های این حوزه جدا می‌کند این است که پژوهش حاضر اولاً به نوعی سعی در آسیب‌شناسی جنبشهای اخیر (مطالعه موردی بحرین) دارد و ثانیاً با توجه به ماهیت متفاوت و جدید این تحولات، نیاز به کاربست و تطبیق نظریات جدید ارائه شده در حوزه جنبش‌های اجتماعی معاصر با این خیزش‌های اخیر احساس می‌شد که در کمتر پژوهشی این نکته به چشم می‌خورد به همین دلیل این پژوهش در نوع خود از یک نوآوری برخوردار است. به طوریکه اکثر مقالات کار شده در این زمینه به تحلیل و توصیف روند تحولات پرداخته‌اند، اما مقاله حاضر با نگاهی سلبی و با استفاده از روش تحلیل تجربی و با کاربست نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید در آسیب‌شناسی تحولات بحرین مشخص می‌نماید چه موانعی بر سر راه تحقق انقلاب در بحرین قرار گرفته است. شروع و به بار نشستن دور جدیدی از پیروزی تفکر مقاومت و مردم‌سالاری دینی با سرنگونی حکومت خودکامه و دیکتاتوری بن‌علی در تونس شروع شد و با در هم شکستن ساختار سیاسی مصر و سرنگونی رئیس‌جمهور این کشور توسط مردم، انقلاب‌های مردمی منطقه شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا وارد مرحله جدیدی شد. دیری نپایید این خیزش‌ها به لیبی، یمن و نیز به بحرین رسید (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۶۵).

تظاهرات ضد دولتی در چندین کشور در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبان بحرین را نیز گرفت. معترضان بحرینی نیز با الهام از رویدادهای مصر و تونس تظاهرات خود را در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز نمودند که این تنش در میان توده مردمی با طبقه حاکم در جریان است. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه همان سال به اوج خود رسید و بیش از یکصد هزار معترض در میدان لوء لوء گرد هم آمدند. دولت حاکم بر بحرین نیز اجرای تاکتیکهای زور و سرکوب و دستگیری رهبران مبارز را در دستور کار خود قرار داد. (دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۶)

در این میان با توجه به روند خیزش‌ها و نیز روند سیرایتی و دومینو وار تحولات منطقه شاهد نوعی ویژگی‌های مشترک در این تحولات می‌باشیم.

• همزمانی خیزش‌ها

خیزش‌های منطقه در اوایل سال ۲۰۱۱ شروع شد و به سرعت اکثر کشورهای عربی را در برگفت

تحولات در تونس با خود کشی بوعیزی در ۱۷ دسامبر آغاز و در ۱۴ ژانویه با فرار بن علی وارد مرحله جدیدی گردید. این اعتراضات که ابتدا با سرکوب مواجه گردید موجب کشته شدن ۲۲۰ نفر گردید روند اعتراضات علی رغم کوتاه آمدن بن علی موجب فروپاشی حکومت وی گردید. دیری نگذشت که اعتراضات به مصر کشیده شد در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. روند اعتراضات در ۴ فوریه با سخنرانی مصطفی العدوی مبنی بر حرام بودن قیام علیه حاکم و نیز ۷ مه که موجب درگیری میان مسلمانان و مسیحیان شد به خشونت کشیده شد و واقعه مسجد نور در عباسیه قاهره در ماه آوریل این قیام را به نتیجه رساند که در نهایت منجر به کناره گیری مبارک از قدرت گردید. دامنه اعتراضات در فوریه و مارس ۲۰۱۱ به بحرین رسید که در پی سرکوب شدید دولت، ۳۰ نفر که اغلب آنها رهگذر بودند کشته شدند در نیمه نخست مارس بحران بالا گرفت و بسیاری از معترضان در میدان لوء لوء جمع شدند همزمان با تهدید امنیتی رژیم و نیز اتفاقات مصر و تونس این اعتراضات توسط آل خلیفه به خشونت کشیده شد. که در نهایت؛ لغو قانون فوق العاده و عقب نشینی آل خلیفه در اواسط ژوئن را در پی داشت. (brown, 2011)

• همسانی روش‌ها

۱. استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی

با ورود شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و نیز تارنمای گوناگون در دنیای عرب وضعیت در این جهان با جمعیت بالغ بر شصت درصد جوانان به گونه‌ای حیرت آور تغییر پیدا کرده است. این جوانان در سالهای اخیر با گسترش رسانه‌های عمومی و وسایل ارتباطات جدید و کانال‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره و با پناه بردن به شبکه‌های اجتماعی در پی رهایی از قید حصارهای دیکتاتوری و پدر سالاری عربی برآمده اند (الاهرام، ۲۰۱۱). در ادامه برای عینی‌تر کردن نقش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی موارد مصر، تونس و بحرین را اجمالاً بررسی می‌کنیم. الفه لموم در مقاله‌ای به نام رسانه‌های اجتماعی و انقلاب نسل جدید عربی در باب نقش رسانه جمعی و شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس می‌نویسد عنصری که بر خلاف اعتصاب عمومی ۱۹۷۸

و قیام نان ۱۹۸۴ در پیروزی انقلاب ۲۰۱۱ دخیل بود نقش مستقیم و قابل توجه رسانه های جدید مانند فیس بوک و کانال های ماهواره ای مانند الجزیره است (لملوم، ۲۰۱۰: الجزیره نت). لوسمی در جای دیگر مینویسد اولین انقلاب مردمی در دسامبر ۲۰۱۰ اتفاق افتاد و گروه های جوانان تونس فعال در فیس بوک مردم را به شرکت در تظاهرات علیه اقدام پلیس دعوت کردند. فیس بوک و توئیتر جوانان تونس اقدام پلیس و نیرو های امنیتی در شلیک مستقیم گلوله علیه تظاهر کنندگان این مراسم را به سراسر جهان مخابره کردند. اعتراضات پس از کشیده شدن به پایتخت الجزیره را نیز وارد کارزار انقلاب کرد (لوسمی، ۲۰۱۱: ۱۰). تحولات مصر نیز متأثر از رسانه بود. به نوعی انقلاب مصر در ۲۶ ژانویه نتیجه خلاقیت در استفاده از منابع قدرت جدید در جامعه مصر از طریق کاربرد شبکه های اجتماعی همچون فیس بوک و توئیتر و نظایر آن بود. انقلاب بزرگ مصر با توجه به شیوه های نوین آن به انقلاب پست مدرن مشهور است. گروه های اصلی دعوت کننده به اعتراض در روز ۲۵ ژانویه که مصادف بود با اولین برگزاری نماز جمعه اعتراض، ابتدا در فیس بوک و با الهام از انقلاب تونس اقدام به راه اندازی صفحه فیس بوک جمعه خشم کردند بلافاصله جنبش تغییر مردمی دموکراسی و جنبش جوانان النجم و گروه های ناصری و حزب الوفد به این دعوت شبکه ای پیوستند و این گونه بود که انقلاب مصر رقم خورد (عبدالحی، ۲۰۱۱: ۴) در جای دیگر فاروق می نویسد رسانه اجتماعی در انقلاب مصر بخصوص شبکه اجتماعی تا قبل از مسدود شدن اینترنت برای سازماندهی اعتراضات خود دولت به کار گرفته شدند اگرچه اینترنت از کار افتاده بود اما معترضین از روش های جایگزین استفاده کردند و پیام ها را توئیت میکردند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۳).

در بحرین آنچه که گذشت و میگذرد قیام و انقلاب مردم ضد نظام وراثتی و استبدادی است. در این کشور نیز علی رغم هماهنگی الجزیره با تلویزیون رسمی بحرین در پوشش اخبار قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ که مورد انتقاد بسیاری از رسانه های مستقل نیز قرار گرفت. از زمان اعلام روز خشم توسط جوانان بحرینی در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ صفحات فیس بوکی فعالان سیاسی بحرینی وسیله انتشار هزاران تصویر و ویدئو از جنایات بشری آل خلیفه در میدان مروارید گردید و همچنین بلافاصله صفحه ای در فیس بوک ایجاد شد که به اخبار معترضان بحرینی می پرداخت که همچنان با فعالیت خود دارای ۸۰ هزار عضو میباشد. آماری که در مقایسه با جمعیت یک میلیون نفری بحرین چشمگیر به نظر می رسد. راه اندازی صفحات فیس بوک در حمایت از فوتبالیستهای دستگیر شده و امضای درخواستهای اینترنتی و تشکیل کمپین اعتراضی از جمله دیگر فعالیت های سیاسی میباشد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸)

• استفاده از نمادها و شعائر اسلامی

استفاده از نمادها و شعائر اسلامی یکی از جلوه های بارز تحولات اخیر میباشد: از نشانه های بارز روش های اسلامی در انقلاب تونس، می توان به حضور مردم با نشانه های بارز اسلامی نظیر حضور با قرآن در راهپیمایی ها، شکل گیری گسترده ترین تظاهرات علیه بن علی بعد از نماز جمعه، استفاده از مساجد به عنوان کانون مبارزات، فراگیر بودن شعار الله اکبر به عنوان یکی از اصلیتین شعارهای مبارزات نام برد (آقا دادی، ۱۳۹۲). در این راستا حزب اسلام گرای النهضه توانست ۹۰ کرسی از مجموع ۲۱۷ کرسی مجلس را از آن خود کند. در این کشور صدای اذان پس از ۲۳ سال در اوقات شرعی ۵ گانه، چند روز پس از سقوط بن علی از تلویزیون رسمی این کشور پخش شد. آزادی حجاب، بر پایی نماز جماعت و حفظ حرمت احکام اسلامی از دیگر خواسته های معترضین بود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۳۸-۳۳۹).

استفاده از شعار الله اکبر و برگزاری اعتراضات پس از نماز جماعت از ویژگی های انقلاب مصر نیز بود. سلفی های مصر در اعتراضات خود در دفاع از قوانین شریعت، اصلاحات در متون درسی و از طریق مساجد توانستند میلیون ها جوان بیکار تحصیل کرده را جذب کنند و به خیابان ها بکشانند. سلفی ها مسجد را صرفا مکانی برای نیایش نمی دانند و آن را کانونی برای آموزش عقیدتی و سیاسی و تبلیغ و عضوگیری میدانند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲۵). علاوه بر این نظرسنجی گالوپ نشان داده اند که ۴۴ درصد زنان و پنجاه درصد مردان مصری اعتقاد دارند شریعت باید تنها منبع قانون باشد (brown, 2011). در بحرین نیز اکثریت معترض شیعه علیه اقلیت سنی با در دست گیری قرآن و حضور در میدان لوء لوء و نیز با استفاده از شعار الله اکبر خواستار برکناری حکومت آل خلیفه شدند. مساجد در بحرین یکی از مهمترین کانون های مبارزه علیه آل خلیفه بوده و هست.

• همسانی مطالبات

مبارزه علیه تمرکز قدرت در دست خاندان حاکم و مبارزه علیه استبداد داخلی: مبارزه و قیام علیه تمرکز قدرت و ثروت در دست خاندان حاکم و نیز مبارزه علیه استبداد داخلی و سرنگونی حاکمان جور از دیگر ویژگی های مشخص قیام های منطقه میباشد:

در تونس رئیس جمهور این کشور همانند دیگر کشورهای بیداری اسلامی به رئیس جمهوری مادام العمر بدل شده بود. در دوره ریاست بن علی به دلایل سابقه امنیتی

خویش با رهبران مصر شباهت داشت. راه حل تثبیت نظام حاکم در تونس را اقتدار گرائی می دانست. از این رو وی در دوره ۲۲ ساله حکومت خود از شکل گیری گروه های اجتماعی جلوگیری کرد و حتی مخالفان را به مهاجرت وادار کرد؛ در زمان وی احزاب سیاسی مخالف از آزادی بیان بی بهره بودند. مطبوعات به شدت کنترل شده بودند و حقوق بشر در سطح بسیار نازلی قرار داشت. قدرت اصلی در این کشور عملاً در اختیار حزب دولت بود حتی تعهد وی نسبت به کاندیدا نشدن در انتخابات ۲۰۱۴ هم کارساز نشد. لذا شاهدیم بخش عمده ای از شعارها معطوف به اعتراض علیه قدرت مطلقه حاکم، دموکراسی، آزادی، برابری فرصت بود (fakhro&hokayemT2011:21).

نظام سیاسی مبارک در زمره نظام های اقتدارگرا قرار داشت. شرایط در این گونه نظام ها به گونه ای است که علی رغم ظاهر شبه دموکراتیک همه چیز بر اساس سیطره و خواست رئیس دولت صورت میگیرد. سانسور شدید اطلاعات، مخلفت با آزادی بیان و قبضه کردن قدرت توسط گروه اقلیت موجب شده بود مردم خواستار نقش آفرینی در عرصه سیاسی باشند. در مصر علی رغم اینکه ۳۳ حزب در ساختار سیاسی کشور وجود داشت اما تنها حزب ملی دموکراتیک که مختص به مبارک بود پارلمان و اختیار کشور را در دست داشت که مبارک از این طریق کنترل قوه مقننه و مجریه را نیز در دست داشت. شاید اعتراضات مصری مبنی بر مشارکت در قدرت سیاسی، برابری فرصتها، و شور و اشتیاقی که در کشور مصر برای برگزاری هرچه سریعتر انتخابات پارلمانی وجود داشت به همین دلیل بود. این کشور برای سالیان متوالی از داشتن یک مجلس واقعی محروم بوده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۳).

در این راستا بررسی خواسته های معترضین یعنی بازگشت تبعیدیان آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب، آزادی بیان و مطبوعات، برابری میان همه گروه ها از جمله شیعه و سنی، توقف دستگیری آزادی خواهان و لغو سانسور نشان می دهد قیام مردم بحرین نیز مانند اکثر قیام های اخیر ریشه در استبداد ستیزی دارد، تبعیض در کشور بحرین به صورت آشکار اعمال می گردد با توجه به اینکه بیش از هفتاد درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می دهند و برای موزون نمودن بافت جمعیتی دولت به افراد سنی مذهب پاکستانی و کشورهای عربی تابعیت بحرینی اعطا می کند.

علاوه بر این واقعیت این است که بحرین مستعدترین کشور برای تحول در منطقه است. زیرا دموکراسی در این کشور بیشتر از سایر نقاط در جهان عرب است شیعیان که اکثریت را تشکیل می دهند از ساختار اصلی قدرت محروم اند در عین حال به دلایل

وجود احزاب و مساجد دارای متشکلترین جریان انتقاد می باشند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۸). با توجه به تفصیلی که گذشت انتظار بر این بود که خیزش و بیداری مردم بحرین به نتیجه برسد کما اینکه در برخی کشورها همچون مصر، تونس و لیبی منجر به انقلاب و جا به جایی قدرت گردید اما در بحرین علی رغم داشتن ویژگی های مشترک این اعتراضات علی رغم شکل گیری جنبش به جا به جایی قدرت منتج نشد و حتی تا حد بسیاری سرکوب شد.

چارچوب نظری

نظریه های موجود در زمینه جنبشهای اجتماعی را می توان به سه دسته یا سه نسل تقسیم بندی کرد. نسل اول نظریات جنبشهای اجتماعی تحت عنوان نظریه رفتار اجتماعی شناخته شده است. نظریه رفتار اجتماعی جنبشهای اجتماعی را نتیجه جانبی دگرگونی های سریع اجتماعی تلقی می کنند و این همان موضوعی است که سایر نظریه های نسل اول آنرا پیش فرض گرفته اند. در برهه های وقوع دگرگونی های سریع و گسترده، رفتارهای جمعی (فرق های مذهبی، وانجمنهای مخفی، فرقه های سیاسی) معنای دوگانه ای داشت. از یک طرف انعکاس دهنده عدم توانایی نهادها و مکانیسم های کنترل اجتماعی برای بازتولید انسجام اجتماعی، و از طرف دیگر بیانگر تلاشهای جامعه برای نشان دادن واکنش به وضعیت بحرانی از طریق پرورش اعتقادات مشترک به عنوان بنیادهای جدید جامعه برای نشان دادن واکنش به وضعیت بحرانی از طریق پرورش اعتقادات مشترک به عنوان بنیادهای جدید همبستگی جمعی بود (دلپورتا و دیانی: ۱۳۸۴: ۱۷). مهمترین نقدی که بر این نظریه وارد است این است که پیش فرض نظریه رفتار جمعی دال بر اینکه وضعیت های ناامیدی، بی ریشگی، محرومیت و بحران اجتماعی به طور خودکار موجب ایجاد شورش و انقلاب می شوند، پدیده شورش و اعتراض اجتماعی را به نوعی به انباشتگی رفتارهای فردی فرو می کاهد. همانگونه که جیمز کلمن متذکر می شود این نظریه اهمیت پوشش هایی را که به وسیله آنها احساسات فردی (یعنی سطح خرد جامعه شناسی) به پدیده های کلانی نظیر جنبشهای اجتماعی و انقلاب ها منجر می شود را نادیده می گیرد (colman، 1990: 479).

نسل دوم نظریات جنبش های اجتماعی تحت عنوان نظریه بسیج منابع مطرح شده است. مهمترین مسئله از نظر نظریه پردازان بسیج منابع این بود که برای بسیج کنش جمعی، اشکال سازمانی پیچیده و شیوه های ارتباط مورد نیاز است که از مکانیسم های

ساده توصیف شده در رویکرد سنتی رفتار جمعی فراتر می رود. (کوهن ۱۳۸۸: ۲۶). تیلی از مشهورترین نظریه پردازان این نظریه علت جنبش ها را تعارضات دائمی و نیز شکاف اجتماعی می داند که همیشه و در همه جوامع وجود دارد و موجب بروز ناآرامی می گردد که مبنای اساسی آن ستم بر مردم است. در این شرایط نیاز به رهبرانی است که این ظلم را تبیین کنند و افق های یک زندگی خوب را فراهم آورند (تیلی، ۱۳۸۰). ضمن اینکه علاوه بر موارد فوق وی منشاء کنش های جمعی را همچون مارکس، کشمکشی می داند که حول یک تضاد اجتماعی شکل می گیرد. نظریه پردازان بسیج منابع همچنین از اصل انتخاب عقلانی اقتصاد نئوکلاسیک و اصل فایده مندی بهره زیادی برده اند. در واقع مسئله اساسی در این نسل ارزیابی هزینه ها و فواید مشارکت در جنبش های اجتماعی از سوی کنش گران می باشد.

نظریه پردازان بسیج منابع انحصار حکومت در منابع را نیز به عنوان دیگر علت در بروز ناآرامی ها عنوان می شود. انتقاد اساسی وارده بر این نسل از نظریه های جنبش های اجتماعی شامل این نکته است که نظریه های بسیج منابع برای ایدئولوژی، آگاهی طبقاتی و نبرد طبقاتی، هویت به عنوان عامل تعیین کننده و تبیین کننده کنش جمعی ارزش چندانی قائل نیستند و در واقع آنچه اهمیت دارد تحلیل منافع متضاد است و سازمان و عقلانیت دو تکیه کلام همیشگی این رویکرد می باشد. (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۳۴) ضمن اینکه این نظریه کلیه فرایندهای چارچوب ساز را کاملاً در دست کارگزاران اجتماعی و عاملین این جنبش ها می داند در صورتیکه همان گونه که گیدنز تأکید می کند تمامی مراحل یک فرایند اجتماعی به صورت خواسته دنبال می شود. علاوه بر این، این نظریه مفهوم بسیج منابع را مبهم باقی می گذارد و تعریف دقیق و روشنی از آن ارائه نمی نماید. انتقاد دیگر این است که این نظریه بیشتر به «چگونگی» وقوع جنبش ها می پردازد- که در نظریه های کلاسیک از آن غفلت شده بود- ولی در عوض موفق نمی شود به خوبی «چرایی» وقوع آن ها را تبیین کند (کسل، ۱۳۸۳: ۳۷).

اما نسل سوم یا همان نظریه های جنبش های اجتماعی جدید می باشد. آنچه این نسل را از نسل اول و دوم جنبشهای اجتماعی جدا می کند ماهیت تحولات سیاسی و اجتماعی است که به شکل گیری نوع جدیدی از جنبشهای اجتماعی منجر گردیده است. که در بسیاری از مبانی، راهکارها و کارکردهای خود متفاوت از دو نسل پیشین است. این جنبش ها به جای تمرکز بر عامل کار سرمایه (که ویژگی اصلی نمونه های کلاسیک است) حوزه توجهات خود را بر آنچه امروز زیست-جهان نامیده می شود تغییر داده

اند و عواملی چون هویت شخصی، زندگی شخصی، جنسیت، روش و کیفیت زندگی را شامل می شوند (لک، ۱۳۸۰: ۵) ویژگی اساسی جنبشهای اجتماعی جدید علاوه بر فراگیر بودن و سیال بودن آن؛ این است که این جنبش ها دربرگیرنده کنشگرانی هستند که از ظرفیت خود برای ایجاد یک هویت و از روابط موجود قدرت در برساختن اجتماعی خودآگاه هستند.

طبق نظریه جنبش های اجتماعی جدید در شرایط مدرن با گسترش نفوذ دولت در حوزه خصوصی و کم رنگ شدن مرز بین حوزه سیاسی و حوزه عمومی فرایند دخالت دولت در جامعه مدنی و حوزه خصوصی بیشتر می شود (Smelser, 1992). این حضور دولت در همه جنبه های زندگی موجب استثمار جامعه و کنشگران موجود در آن می شود که موجب به چالش کشیدن مبنای هویتی آنان میگردد. در این راستا جستجو برای احیای هویت از دست رفته در کنار دسترسی آنان به وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها خود عامل اساسی برای بسط و احیای هویت و در واقع هویت یابی مجدد برای برساختن هویت جدید می شود. لذا با توجه به جریانات فوق شاهد جنبشهای جدید اجتماعی هستیم که این جنبشها ماهیتی ضد سیستمی ندارند و لزوماً به دنبال دگرگون کردن شرایط و کل ساختارها نیستند (حاجلی، ۱۳۸۶).
(چارچوب نظری پژوهش حاضر نیز همین نظریه می باشد.)

تعریف نظری و عملیاتی

در راستای تعریف نظری به بیان مفاهیم نظریه جنبشهای اجتماعی و به منظور عملیاتی کردن آن مصادیق و معرف های آن را بیان می نمایم .

- هویت : هویت به معنای بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه است که عمدتاً از طریق همسنجی های اجتماعی و انفکاک درون گروهها از برون گروهها ممکن می شود (گل محمدی؛ ۱۳۸۱: ۲۲۴). از طرفی هویت امری طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست بلکه همیشه باید با کنار گذاشتن تفاوتها ساخته شود. معرف هویت گرایشات، قومی، اعتقادات مذهبی و هویت زبانی است که منعکس کننده هویت کنشگران می باشد.

- رسانه: رسانه ابزار ارتباط جمعی فارغ از حضور فیزیکی افراد است که در حیطه ملی و جهانی می توان برای گسترش اطلاعات و یا تعامل بین افراد از آن بهره جست . لذا رسانه شامل تلویزیون، رادیو، مطبوعات و نیز رسانه های اجتماعی در فضایی مجازی مثل فیس بوک می باشد (ضیایی پرور؛ ۱۳۸۸). از طرفی اینترنت امکان تقارن (برابری مخاطب

و پیام دهنده) بیشتری را میان فرستنده و دریافت کننده پیام فراهم می آورد (تیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۶ و ۱۶۷).

- جامعه مدنی: به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها، موسسات، انجمنها و تشکلات خصوصی و مدنی را در بر می گیرد و انواع کشمکشهای اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک در چارچوب آن واقع می شود (بشیریه؛ ۱۳۷۶: ۳۲۹). لذا معرف جامعه مدنی، مجموعه ای از نهادها، انجمنها، موسسات و هرگونه تلاش اختیاری که نفع خصوصی فارغ از دخالت دولت در آن مد نظر است می باشد (مک کللند، ۱۹۷۶: ۱۳۴).

- سازماندهی جنبش: به معنی خارج بودن تعاملات از فضای رسمی (احزاب و گروههای ذی نفع)، وجود سازماندهی باز و سیال و مشارکت فراگیر می باشد (دلایپورتا و دیانی؛ ۱۳۸۴: ۲۸). لذا معرف شبکه های تعاملات غیر رسمی؛ فقدان وجود احزاب، گروهها و عملکرد بخش بخش، پراکنده و غیر متمرکز جنبش اجتماعی است (واعظی؛ ۱۳۹۱: ۱۷۸) - فقدان رهبری: به معنی عدم وجود رهبر، نماینده و هرگونه کیش شخصیت برای سازماندهی و کنترل جنبش است. لذا مشارکت مستقیم کنشگران و ممانعت از نمایندگی معرف منطق تکوین هویت جمعی در یک جنبش اجتماعی است (کوهن؛ ۱۳۸۶: ۴۴).

هویت

جمعیت بحرین ۱/۳۱۷/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ بر وارد شده بود (بانک جهانی، ۲۰۱۲). حدود ۹۰ درصد آن را مسلمانان و کمتر از ۱۰ درصد را مسیحیان تشکیل می دهند. که از این جمعیت حدود ۷۵ درصد شیعه و کمتر از ۲۰ درصد سنی میباشد. زبان رسمی این کشور عربی و دین رسمی آن اسلام میباشد (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

رسانه

بحرین از سال ۱۹۹۵ خدمات اتصال به اینترنت را به شهروندان خود عرضه کرد، این کشور ابتدا در سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۵۲ هزار نفر کاربر اینترنت داشته است، این روند سیر صعودی به خود گرفت و در سال ۲۰۱۲ تعداد کاربران اینترنت در بحرین به ۹۶۱/۲۲۸ کاربر رسید که حدود ۷۷٪ جمعیت این کشور را تشکیل میدهد. در این سال طبق آمار جهانی تعداد اعضای فیس بوک ۴۱۳/۲۰۰ بر وارد شد که در مقایسه با جمعیت بحرین جمعیت قابل توجهی می باشد (<http://www.internetworldstats.com/middle.htm>).

تمام شبکه های رادیویی و تلویزیونی در بحرین تحت حاکمیت دولت قرار دارند. علاوه بر این می توان از ۷ روزنامه عرب زبان فعال در بحرین نام برد که دو روزنامه الوسط و الایام شاخصترین این روزنامه ها می باشند: الوسط (از معدود روزنامه های مستقل در بحرین میباشد که خواسته های معترضان به خصوص شیعیان را بیان میکند) - الایام (این روزنامه عرب زبان تا حدودی حامی حکومت میباشد و مواضع مسالمت آمیزی نسبت به دستگاه حاکمه دارد) - اخبارالخلیج - البلاد - الوقت - الوطن (مهدی پور و هاشمیان، ۱۳۹۲: ۶).

جامعه مدنی

در بحرین اگرچه طبق قانون امکان تاسیس حزب نیست اما با این وجود احزاب و نهادهای گوناگون تحت عناوین مختلف مثلا جمعیت ها کمابیش فعالیت دارند (بحرانی، ۱۳۸۱). در این راستا مختصراً به نهادهای مدنی شاخص در بحرین اشاره می شود:

توضیحات	جریان	نهاد مدنی
این جمعیت فعالترین نهاد جریان سنی و به نوعی یکی از شاخه های اخوان المسلمین است. این نهاد تمرکز خود را بر راهکارهای اقتصادی علیه نظام حاکمه دارد و نه ایدئولوژیکی. و به همین دلیل طبقه متوسط عمدتاً پیرو این جمعیت میباشد. المنبر مستقیماً دولت را به چالش نمیکشد و در جریان انتخابات ۲۰۰۶ هفت کرسی پارلمان را بدست آورد.	سنی	جمعیت المنبر
این جمعیت مهمترین نماینده جریان سلفی در کشور بحرین است. این جمعیت رویکردی محافظه کارانه دارد و ایدئولوژی نزدیک به وهابیت دارد و نیز مخالف ارتباط ال خلیفه با امریکاست ضمن اینکه امریکا را دلیل نارامی های بحرین میداند. این جریان در آخرین انتخابات یعنی سال ۲۰۰۶ هشت کرسی پارلمان را نصیب خود نمود.	سلفی	جمعیت الاصله

توضیحات	جریان	نهاد مدنی
این حزب هم بلحاظ تعداد اعضا و هم به لحاظ تعداد نمایندگان بزرگترین جمعیت بحرینی است که توانست در انتخابات ۲۰۰۶، ۱۷ کرسی پارلمان و در انتخابات ۲۰۱۰، ۱۸ کرسی را کسب کند. رویکردی مسالمت آمیز دارد و حذف نخست وزیری، حذف مجلس مشورتی و اصلاح قانون اساسی از مهمترین مطالبات این گروه میباشد.	شیعی	حزب الوفاق
دیگر گروه فعال در بحرین است که علی المحفّا رهبری آن را برعهده دارد، این جنبش رویکردی نسبتاً تندروتر دارد. هرچند در انتخابات ۲۰۰۶ نتوانست کرسی را کسب کند اما به فعالیت خود ادامه داد در خلال جنبش ۱۴ فوریه بسیاری از رهبران این گروه به صف مخالفان در میدان لوءوء و مبارزان خیابانی پیوستند.	شیعی	جنبش امل
بزرگترین گروه جناح چپ میباشد. در سال ۲۰۰۲ با تحریم انتخابات دور جدید مبارزات خود را علیه ال خلیفه شروع نمود. بسیاری از رهبران این گروه در جریانات اخیر دستگیر شدند.	چپ گرا مطالعات پژوهشگاه علوم انسانی رتال جامع علوم انسانی	جنبش وعد (دموکراتیک ملی)
این گروه رویکرد مسالم امیزی دارد اما در تحولات اخیر این کشور به صف مخالفان پیوست با وجود اینکه اعضای این جنبش در انتخابات ۲۰۰۶ نامزدی در مجلس نداشت، در سال ۲۰۰۲ امیر بحرین ۱۶ عضو از این جنبش را به عضویت مجلس مشورتی درآورد.	لیبرال	جنبش میثاق ملی

توضیحات	جریان	نهاد مدنی
این جنبش در سال ۲۰۰۵ تأسیس گردید هدف این جنبش جذب همه اقشار و افراد و نیز مقابله با الوفاق برای ایجاد توازن با شیعیان بحرین میباشد. و اعتقاد دارد از همه اقشار بحرین شیعه و سنی و یهودی و مسیحی در مقابل، نظام سیاسی حمایت بعمل می آورد.	ملی گرای سکولار	جنبش عدالت ملی
به نوعی میتوان ان را انشعابی از الوفاق دانست که بعد از الوفاق از مهمترین گروه های معارض بحرینی میباشد که خود را آزادی خواه و دموکراسی بحرینی با گرایشهای اصلاح طلبانه معرفی میکند	آزادی خواه متمایل به تشیع	جنبش الحق

(بغیری و حاتمی، ۱۳۹۱: ۳-۸؛ کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۰۰؛ گلی زواره، ۱۳۹۱)

علاوه بر این می توان از جنبش آزادی اسلامی، جنبش احرار به رهبری حسن الشهابی، جمعیت تریبون دموکراسی پیشرو و جمعیت تجمع ملی به عنوان دیگر نهادهای مدنی در بحرین نام برد (nakhleh,2011:32).

سازماندهی جنبش

مهمترین ویژگی سازماندهی جنبش بحرین فراگیر بودن و نیز غیر سازماندهی بودن آن می باشد. از اسلام گراها گرفته تا سکولارها و از چپ ها گرفته تا لیبرال ها همه به نوعی در تحولات بحرین شرکت داشتند (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۸-۲). علاوه بر طیف های بالادر خلل اعتراضات در بحرین معترضین در قالب غیر رسمی و به صورت پراکنده دست به اعتراض علیه رژیم حاکم زدند. در این اعتراضات کارمندان و پزشکان بسیاری بدلیل خدمات رساندن به معترضان دستگیر شدند که بنابر گزارش الوفاق یازده تن از پزشکان دستگیر شده زن بودند بطور مشابه اساتید بسیاری که با آنها بدرفتاری شد و از شغل هایشان اخراج شدند و ورزشکاران بسیاری که از ورزش محروم شدند و جز لیست سپاه قرار گرفتند. در این راستا نیز می توان به حمایت بازاریان، مهندسان و معلمان از حزب المنبر و حضور در اعتراضات اشاره نمود (حاتمی، بغیری، ۱۳۹۱: ۸-۲). علاوه بر این

می توان به حضور خودجوش جوانان بحرینی از بطن مردم اشاره نمود که موید خارج شدن مسیر انقلاب از دست احزاب و گروه های سیاسی بود و این گروه های سیاسی بودند که از جوانان حمایت می کردند.

فقدان رهبری

علی رغم حضور افراد سرشناسی همچون شیخ سلمان در راس حزب الوفاق، ایت الله عیسی قاسم و حضور در میان معترضان و نیز ائتلاف الاصله والمنبر مبنی بر جذب همه اقشار و گروه ها در اعتراضات این کشور، اما تحولات بحرین دارای رهبر مشخص و منسجمی که عهده دار قیام این کشور باشد نبود؛ حضور خودجوش جوانان بحرینی در خیابانها، هماهنگی آنها از طریق صفحات اجتماعی، و حتی پیوستن برخی گروه ها به این تجمعات موید این مطلب می باشد (بگیری و حاتمی، ۱۳۹۱: ۸-۲).

قیام مردمی بحرین

بحرین طی قرون اخیر به عنوان کشوری با جمعیت اکثریت شیعی توسط اقلیت سنی اداره می شود این اقلیت سنی که با حدود ۳۰۰۰ نفر همه مناصب حکومتی را قبضه کرده اند با شکل غیر دموکراتیک توانسته اند در طی سالیان بر شیعیان تسلط داشته و اعتراضات مختلف مردمی را سرکوب کنند (هاشمی نسب، ۱۳۸۹: ۸-۳). این درحالی است که شیعیان با ۷۵ درصد جمعیت این کشور بیشتر روستا نشین و در وضعیت فقر به سر می برند. این شهروند درجه دوم محسوب شدن طی سالیان سال موجب تحقیر شیعیان میشد (کاظمی دینان، ۱۳۸۸). حکومت آل خلیفه در چند سال اخیر با هدف تغییر در ترکیب و توازن جمعیتی در بحرین، در ژوئن سال ۲۰۰۲ میلادی با صدور فرمانی اجازه داد که همه شهروندان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بتوانند تابعیت بحرین کسب کنند. که بیشتر این افراد در نیروهای نظامی و امنیتی بحرین برای سرکوب نمودن شیعیان به کار گرفته شده اند که نه تنها شیعیان را به خشم آورده بلکه سنی های بومی را که به سختی کار گیر می آورند به شدت ناراحت کرده است (گلی زواره، ۱۳۹۱) به طوریکه جمعیت المنبر و التجمع القومی در کنار جنبشهای شیعی شکواییه ای مبنی بر اینکه اعطای تابعیت سیاسی ناقض استقلال و امنیت کشور می باشد تهیه نمودند و این اقدام دولت را خطری بزرگ عنوان نمودند (ماهنامه اخبار شیعیان، ۱۳۸۹ ش ۵۱). و این درحالیست که خاندان آل خلیفه بحرینی نیستند بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری

هستند که در پی اختلافات مذهبی با قبیله بنی کعب در زمان ریاست شیخ نصرالله خان والی منصوب کریم خان زند از کویت وارد بحرین شده اند و به نوعی با هویت بحرینی بیگانه بوده اند (اقارب پرست، ۱۳۹۱). رفتار سرکوب گرایانه این اقلیت تنها موجب آزار شیعیان نشده بلکه اکثریت مردم بحرین را تحت ظلم و ستم قرار داده است که خود موجب اعتراضات بسیاری در چند دهه اخیر شده از جمله: اعتراضات مردمی ۱۸۹۵ علیه استعمار و ظلم آل خلیفه، قیام دهه ۱۹۳۰ برای اصلاحات سیاسی، دهه ۱۹۵۰ و قیام در راستای تشکیل مجلس و سندیکاها و سرکوب توسط حکومت، قیام ۱۹۷۲ و تصویب قانون اساسی و تشکیل مجلس، دهه ۱۹۷۵ که تعطیلی مجلس دوباره خشم مردم را به دنبال داشت (هاشمی نسب، ۱۳۸۹). به رغم اینگونه تحولات و اصلاحات طی چند دهه اخیر در ساختار سیاسی این کشور، اما به دلیل رویکرد خانواده سنی آل خلیفه مبنی بر جلوگیری از مشارکت شیعیان و سنی های غیر آل خلیفه در عرصه سیاسی-اقتصادی نمی توان جایگاه و وضعیت مناسبی برای این گروه ها و به خصوص شیعیان در نظر گرفت و همیشه تحركات شیعه را به دید تهدید می نگرند (فولکه و فرانکه، ۱۳۸۴). بر اساس گزارش سال ۲۰۰۳ سازمان حقوق بشر بحرین از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد و ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیر کل فقط ۱۰ منصب یعنی ۲۱ درصد به شیعیان تعلق دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). به عبارتی در نظام سیاسی اجتماعی و ارکان حکومتی بحرین شیعیان در پائین ترین مرتبه جای می گیرند. خانواده حاکم الخلیفه بالاترین رتبه را دارد و پس از آن، به ترتیب قبایل سنی، تجار- تکنوکراتها، شیعیان ایرانی و در آخر شیعیان بومی قرار دارند (فولکه و فرانکه، ۱۳۸۴). علاوه بر این عربستان سعودی به دلایل مختلف از سیاستهای سرکوب گرایانه علیه شیعیان بحرین حمایت می کند اولاً این کشور قاطعانه با هر نوع گسترش دموکراسی در منطقه که ممکن است این رژیم را تحت فشار قرار دهد مخالف است ثانیاً ایدئولوژی وهابی پادشاه سعودی این کشور را در تقابل شدید با شیعیان قرار می دهد ثالثاً شیعیان بحرینی پیوند نزدیکی با شیعیان سعودی دارند به گونه ای که هر نوع موفقیت شیعیان بحرینی به سرعت شیعیان سعودی را تحت تاثیر قرار می دهد. لذا عربستان سعودی از هیچ دخالت خشونت باری از اعزام سرباز تا حمایت رسانه ای در سرکوب شیعیان دریغ نمی کند. شیعیان بحرین، عربستان سعودی را جامعه ای خشن، سرکش و دارای فرهنگ غلیظ بدوی می دانند که رسیدن به توافق داخلی در آن کشور دشوار است در حالیکه محیط بحرین فرهنگی تر و از لحاظ تاریخی مداراکننده تر است (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۰). این حمایت عربستان از آل خلیفه در

سرکوبی شیعیان، در سیاستهای رسانه ای در قالب العربیه و الجزیره به وضوح دیده می شد:

همانطور که میدانیم رسانه در جریان تحولات جدید خاورمیانه از جایگاه ویژه ای برخوردار است، در این تحولات دو دسته رسانه از اهمیت بیشتری برخوردار است یکی رسانه های داخلی و دیگری خارجی (هینه بوش، ۱۳۸۶: ۲۷۸). دسترسی به رسانه های خارجی و حمایت آنها باعث شد صدای این اعتراضات به دنیای خارج رسانده شود. با بین المللی شدن موضوع، زمینه برای افزایش فشار بین المللی فراهم گردید این موضوع باعث میگردد حکومتهای اقتدار گرا برای کاهش فساد و ایجاد شفافیت از دوسو تحت فشار قرار گیرند (hafer,2001:4).

تاثیر رسانه ها در جریانات اخیر طوری بود که بسیاری از اندیشمندان انقلاب مصر و تونس را با انقلاب فیس بوکی یاد می کنند. در میان رسانه های تاثیر گذار می توان از شبکه الجزیره نام برد این شبکه با پوشش خبری گسترده تحولات نقش چشمگیری در خیزش اعتراضات ایفا نمود بطوریکه دولتهای عربی محدودیتهای فراوانی بر سر فعالیت این شبکه قرار دادند. رسانه های اجتماعی نیز مثل فیسبوک و توییتر نقش مکمل را ایفا نمودند (harb,2011).

نکته مهم در تحولات بحرین این می باشد که سیاست شبکه های رسانه ای در قبال تحولات این کشور نه تنها با تحولات مصر و تونس فرق می کرد بلکه در برخی مواقع در تضاد بود. سکوت کانال های ماهواره ای عرب زبان از العربیه تا الجزیره در قبال تحولات بحرین، نشان دهنده اعمال نفوذ قطر و عربستان در جهت تحت فشار قرار دادن الجزیره برای امتناع از پوشش خبری این قیام مردمی و کمرنگ جلوه دادن حضور بیش از ۱۵۰ هزار نفر بحرینی در میدان مروارید بود (سید احمد، ۲۰۱۱). هماهنگی شبکه الجزیره و العربیه با تلویزیون رسمی بحرین مورد انتقاد بسیاری از رسانه های مستقل و شیعه و همچنین بحرینی های خارج نشین قرار گرفت در همین زمینه یلقمیری یکی از پژوهشگران عرب با انتقاد از گفتمان رسانه ای الجزیره که بیش از ۵۰ میلیون مخاطب در جهان عرب دارد از دوگانگی این کانال در قبال پوشش وقایع بحرین ابراز تأسف کرد. این در حالیست که الجزیره با عنایت به حرفه ای بودن و دوری از سفتهای جهان عرب تبدیل به یکی از اصلی ترین منابع تعیین کننده اطلاعات در سطح منطقه شده و به طور کلی نگرش نخبگان و اقشار مختلف منطقه را تغییر داده است علاوه بر این کانال های ماهواره ای لبنانی که مشغول پوشش قیام مردم بحرین بودند همچون otv، المنار، الجدید و mtv از طرف

عرب ست با ارسال پارازیت مواجه شدند که موجب اعتراض وزارت ارتباطات لبنان شد که هیچ پاسخی به آن دریافت نمود (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۷).

با وجود این قیام ۱۴ فوریه مردم بحرین در شبکه های اجتماعی توسط جوانان بحرینی منعکس شد و اخبار وقایع آن از طریق همین شبکه ها انتشار یافت؛ ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه، انقلاب ۱۴ فوریه، روز خشم در بحرین، جمعیت دانشجویان بحرینی، نافرمانی مدنی، جمعیت وفاق اسلامی، یوسف ابراهیم و غیره، از جمله صفحات دعوت از مردم برای تجمع و تظاهرات در میدان مروارید منامه و دیگر شهرهای بحرین در بنبوحه جنبش ۱۴ فوریه این کشور بودند. هم چنین در پی ناآرامی های بحرین صفحه ای در فیس بوک ایجاد شده که به پوشش اخبار معترضان بحرینی می پرداخت و هم اکنون حدود ۸۰ هزار عضو دارد. آماری که در قیاس با جمعیت یک میلیون نفری بحرین، چشمگیری به نظر می رسد. علاوه بر این ویدئوی مصاحبه با ورزشکاران معترض در نسخه های فراوان در شبکه یوتیوب منتشر شد. با وجود این، الجزیره به عنوان تاثیرگذارترین رسانه در جریان تحولات خاورمیانه موضعی متناقض گرفت و خود به عنوان مانعی بر سر راه تحقق جنبش مردم بحرین قرار گرفت در این میان العربیه وابسته به عربستان نیز با روشی غیر حرفه ای در پوشش اخبار قیام مردم بحرین اقدام به پخش گزارشهایی در راستای سیاست رسانه ای آل خلیفه کرد. این شبکه جنبش مردم بحرین را وابسته به ایران و در راستای برپایی جمهوری اسلامی بحرین تفسیر کرد. پخش تمثالها و علامتهای شیعی از شبکه العربیه در همین راستا انجام می شد. و نیز در همین راستا عبدالله مدنی نویسنده وابسته به آل خلیفه در برنامه کانال العربیه به نام ((اضاءات)) قیام مردم بحرین را اقدامی خرابکارانه و نادرست ارزیابی و دیگر حرکت های عربی را جنبشی مردم سالارانه و حقوق بشری خطاب کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

علی رغم برخی کشورها همچون مصر و تونس که تا حدودی نهادهای مستقل از حکومت و نهادهای مدنی اجازه فعالیت داشتند و نقش بسزایی در تحولات این کشورها داشتند اما این نهادها در بحرین بسیار ضعیف و با حوزه اختیارات محدود فعالیت دارند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۹۰).

در این میان ذکر دو نکته مهم بنظر می رسد اول اینکه در عموم نقاط جهان عرب ساخت اجتماعی قبیلگی است که این ساخت در تکوین و تداوم حکومت های خودکامه فردی بی تاثیر نبوده است و وجود قبایل متعدد باعث میشود اولاً حکومتها با ایجاد ائتلاف بین قبایل و تفرقه افکنی ضرورت وجود و بقای خویش را توجیه کنند زیرا باید حکومتی باشد که

مانع تجاوز قبایل به یکدیگر شود. ثانيا نگرانی قبایل نسبت به تسلط احتمالی قبایل دیگر مانع از مشارکت در اعتراض ها علیه حکام و به عبارت دیگر موجب تقویت محافظه کاری می شود (پورسعید، ۱۳۹۲: ۹۷). ثالثا به واسطه همین ساخت قبیلگی، سیاستمداران متنفذ و روسای حکومت با سران قبایل به توافق دست می یابند تا در قبال دریافت کمک و هدایا، افراد تحت زعامت خویش را تحت فرمان حاکمان در آورند (پورسعید ۱۳۹۲: ۸۹). در بحرین نیز تا حدودی ساختهای قبیلگی علی الخصوص در سطح حکومتی وجود دارد که همین یکی از دلایل عدم رشد کافی جامعه مدنی می باشد (پورسعید ۱۳۹۲: ۹۸). و نکته دوم اینکه در اکثر کشورهای عربی تقریبا همه اقسام آزادی های سیاسی و اجتماعی محدود شده است که این فقدان آزادی، فقدان جامعه مدنی را در پی دارد (پورسعید، ۱۳۹۲: ۹۰-۹۱). نبود مطبوعات آزاد در بحرین و نیز سانسور شدید بر اندک مطبوعات این کشور همچون روزنامه الوسط از معدود روزنامه های مستقل در بحرین موجب کاهش فعالیت جامعه مدنی در این کشور شده است. شاید بتوان گفت همین فقدان ساخت قبیلگی و آزادی احزاب و مطبوعات در دوکشور مصر و تونس نسبت به بحرین یکی از علل توفیق سریع تر قیام ها بوده است (پورسعید ۱۳۹۲: ۹۸).

با گذشت حدود سه سال از تحولات بحرین هم چنان اعتراضات به صورت سیال و پراکنده ادامه دارد همانطور که پیشتر اشاره شد مهمترین ویژگی اعتراضات بحرین فراگیر بودن و غیر سازماندهی بودن آن می باشد. در تحولات بحرین همه گروه ها و اقشار جامعه از شیعه تا سنی و از اسلامگرا تا چپ گرا به نوعی اعتراض خود را به حکومت آل خلیفه نشان دادند. از طرفی بسیاری از مردم، گروه ها و انجمن ها و به ویژه ها شیعیان این کشور پیرو حزب الوفاق و نیز ایت الله عیسی قاسم رهبر شیعیان این کشور، خوشبین به مذاکرات، انجام اصلاحات (نه در پی تغییر رژیم)، راهپیمایی مسالمت آمیز، برگزاری انتخابات آزاد و نیز اصلاحات قانون اساسی بودند (گروه بحران بین المللی، ۱۳۹۱؛ ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۶۸). از طرفی جوانان بحرینی که به صورت خودجوش و غیر سازمان یافته به وسیله فراخوانها از طریق شبکه های مجازی و با حمایت جمعیت امل اسلامی و حزب الحق و جنبش آزادی اسلامی با برگزاری راهپیمایی به سبک جوانان مصری و تونس خواستار سرنگونی دولت بودند. این جوانان که از حمایت جمعیت کثیر توده مردم برخوردار بودند با بهره گیری از جوانان مصر و تونس روز ۱۴ فوریه را روز خشم اعلام کردند و بدون رهبر و سازماندهی خاص از طریق فراخوانهای فیس بوکی میدان لوءاء را با تشبیه از میدان تحریر (آزادی) مصر، محل راهپیمایی خود قرار می دادند. در

مقابل مجمع وحدت ملی وجود داشت که در خلال تحولات به وجود آمد این مجمع که عمدتاً سنی می باشد از اسلام گراها، اخوان المسلمین و گرایشات سلفی تشکیل می شد که اعتراضات بحرین را به مداخلات ایران و فرقه گرایی شیعیان نسبت می دادند و بارها وفاداری خود را به رژیم آل خلیفه اعلام نمودند (گروه بحران بین الملل، ۱۳۹۱). این تنوع مطالبات و گستردگی اقشار و نیز عدم انحصار رهبری قیام با نگاهی به شعارهای مطرح شده توسط معترضین در طول قیام نیز واضح و مشخص می باشد شعارهایی همچون: الشعب یرید الاصلاح (مردم خواستار اصلاح نظام هستند)، سلمیه سلمیه (مسالمت مسالمت)، لا الطائفیه (فرقه گرایی نه) مؤید همین مطلب می باشد (گلی زواره، ۱۳۹۱). در این راستا راشد الراشد فعال سیاسی، نویسنده و عضو سرشناس جمعیت العمل اسلامی در مصاحبه ای بیان داشت که: "حضور مردم در خیابانها یک اجماع است. اصولاً قیام مردمی در بحرین مانند اکثر کشورهای عربی مانند: مصر و تونس بنا به دعوت یک رهبر واحد مثل آنچه در ایران توسط امام خمینی بوده نیست در واقع یک پروژه تغییر نظام سیاسی به راه افتاد و اکثر مردم در آن شرکت کردند. در مصر و تونس یک توافقی بین انقلابیون و جوانان حاصل شد در بحرین نیز به همین صورت است و این ائتلافهاست که قیام ها را پیش می برد و این قیام ادامه دارد." (ماهنامه اخبار شیعیان، ۱۳۹۱، ش ۹۱).

نتیجه‌گیری

وقوع جنبش بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در مقایسه با سایر جنبشهای رخ داده در قرون گذشته دارای ویژگی‌های متمایز کننده‌ای بود که نیازمند توجه ویژه و عمیق به آن می‌باشد. با توجه به این مسئله مقاله حاضر بر آن بود تا با بررسی علمی و به کارگیری مبانی نظری جدید، به واکاوی موردی یکی از این جنبش‌ها بپردازد. تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا در کشور بحرین نتیجه‌ای متفاوت با سایر کشورهای منطقه داشت چرا که علی‌رغم پیروزی این جنبشها در کشورهای مصر، تونس و لیبی، در کشور بحرین با توجه به موانع داخلی و خارجی که در مقاله مورد بررسی قرار گرفت عقیم ماند. در این راستا بر طبق نظریه جنبشهای اجتماعی نوین، عوامل عدم پیروزی این جنبش را می‌توان در چند عامل ذکر نمود. از جمله این عوامل می‌توان از رسانه‌های بین‌المللی نام برد، رسانه‌های بین‌المللی با وجود اینکه از گسترش دموکراسی صحبت می‌کنند اما به رغم طرح مطالبات دموکراتیک معارضان بحرین، نقض حقوق بشر و رفتارهای ناقض دموکراسی از سوی حکومت بحرین هیچ واکنشی از خود نشان ندادند. عامل دوم به مداخله نظامی عربستان در این کشور باز می‌گردد، این کشور با سرکوب قیام بحرین و حمایت از سرکوب شیعیان توسط آل خلیفه نشان داد با هرگونه حرکت تحول خواه در حوزه خلیج فارس به شدت مقابله می‌کند و حاضر به پرداخت هرگونه هزینه‌ای است. علاوه بر این در بحرین به دلیل شخصیت استبدادی حاکمان و عدم حضور رهبری واحد در رأس اعتراضات و ضعف نهادهای مدنی نسبت به نهادهای مشابه در مصر و تونس جنبش شدیداً سرکوب شد، که البته به دلیل فعالیت ساختارهای محدود مدنی بحرین تا زمان برقراری نظم و احقاق حقوق ملت، بحرین ناآرام خواهند ماند.

منابع

- آدمی علی، بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱، ۱۳۹۱.
- آقاداتی میثم، گفتگوهائی در بیداری اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، (۱۳۹۲).
- ابراهیمی نبی الله، تاثیر شبکه های اجتماعی و کانال های ماهواره ای در وقوع و تکوین انقلابهای عربی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۹۲.
- اسدی علی اکبر، رفتار شناسی بازیگران بحرین، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
- اشرافی مرتضی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، اکرام، قم، (۱۳۹۰).
- افتاده جلال، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۹۱، شماره ۵۶.
- اقارب پرست محمدرضا، مهربان فرهادی، بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا تلاقی اسلام خواهی و استبداد ستیزی، ۱۳۹۱، امام صادق، تهران، چاپ اول.
- افتخاری اصغر، بیداری اسلامی و تحولات منطقه ای، دانشگاه امام صادق، (۱۳۹۱).
- بحرانی مرتضی، جنبشهای سیاسی اجتماعی بحرین، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۱.
- بهروز لک، غلامرضا؛ بررسی تطبیقی جنبش‌های جدید اجتماعی با جنبش‌های اسلامی معاصر، مجله‌ی قیسات، زمستان ۱۳۸۰، شماره‌ی ۲۲، صص ۱۲۱-۱۱۲.
- بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی ۱۳۷۶.

- پورسعید فرزاد، بیداری اسلامی در جهان عرب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲، چاپ اول.
- تیلی چارلز، جنبشهای اجتماعی از ۱۸۶۷ تا ۲۰۰۴، ترجمه محمد تقی بهفروز، تهران، ۱۳۸۸.
- دلاپور، دوناتلا، ماریو: مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، محمی تقی دلفروز: تهران: کویر ۱۳۸۴.
- دوست محمدی احمد، تحولات انقلابی بحرین و بررسی سیاست خارجه ایران در قبال آن، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، (۱۳۹۲).
- ضیایی پرور حمید، جنگ نرم سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی، مجله رسانه، ۱۳۸۸، سال بیستم، شماره ۲.
- حاتمی محمدرضا و علی بغیری، بیداری اسلامی در بحرین: بررسی چرایی موفقیت حزب الوفاق در رقابت با سایر احزاب، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.
- حاجلی، علی، فهم و مطالعه جنبشهای اجتماعی جدید، (جین کوهن، الن تورن، چارلز تیلی، البرتو ملوچی، کلاوفه، کلاس ادرا) تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ ۱۳۸۸.
- سیف افجه ای معصومه، بحرین، کتاب سبز، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.
- فاروق دنیا، ۲۰۱۱، الشباب مصری والحق فی المشارکه که السیاسیه / انظر الی: <http://www.yallanes>
- قاسمی محمد علی، پدرسالاری جدید تاملاتی در تعامل دولت و شهروندان در قیامهای ۲۰۱۱ جهان عرب، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۹۲.
- کسل فیلیپ، چکیده اثار گیدنز، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳.
- کیت نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی بهفروز، کویر، تهران، ۱۳۸۸.
- کوهن؛ جین، استراتژی یا هویت؛ پارادایمهای نظری جدید و جنبشهای اجتماعی معاصر؛ ترجمه علی حاجلی؛ انتشارات جامعه و فرهنگ؛ ۱۳۸۶.
- کاظمی دینان مرتضی، علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس، شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- کیانوش راد شهره، بازخوانی جنایت‌های ال خلیفه در بحرین، دو ماهنامه خیمه، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۹۰، شماره ۷۵.

- گروه بحران بین المللی، دشواری های بحرین در مسیر اصلاحات، موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران، ترجمه سلیمه دارمی، ۱۳۹۱، تهران، چاپ اول.

- گل محمدی، احمد، جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، انتشارات نی، ۱۳۸۱.

- گلی زواره غلامرضا، سیری در تاریخ و جغرافیای سرزمین بحرین، مکتب اسلام، سال ۵۱، شماره ۱۲، ۱۳۹۱.

- عبدالحی احمد تمامی، ۲۰۱۱، شباب الاحتجاج غیر الحزب غیاب الایدولوجیه والقیاده، دوحه و للدراسات الجزیره.

- عبداللهیان حسین امیر، ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، شماره چهاردهم، ۱۳۹۰.

- غریاق زندی داوود، تحول پارادایمی در ساخت دولت و جامعه عربی در پی خیزش های مردمی ۲۰۱۱، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.

- مصاحبه راشد الراشد با ماهنامه اخبار شیعیان، خرداد، ۱۳۹۱، شماره ۹۱.

- لموم الفه/۲۰۱۱/ "الاعلام و ثورة الجيل العربی الجدید" فی

[/ http://alijazeera.net/nr/exeres](http://alijazeera.net/nr/exeres)

- مهدی پور، فرشاد و حسین هاشمیان، بررسی وضعیت روزنامه ها در حوزه جغرافیای بیداری اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، سال دهم، شماره ۳۳.

- نصری قدیر، بیداری اسلامی در مصر: منابع و موانع برآمدن سلفی ها، ۱۳۹۱، دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ اول.

- واعظی، محمود: بحران های سیاسی و جنبشهای اجتماعی در خاورمیانه، تهران، مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی، ۱۳۹۲.

- واعظی، محمود؛ بحرانهای سیاسی و جنبشهای اجتماعی در خاورمیانه؛ نظریه ها و روندها، تهران، مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی؛ ۱۳۹۲.

- هاشمی نسب سید سعید، بحران بحرین، پژوهشهای منطقه ای، شماره پنج، زمستان ۱۳۸۹.

- هینه بوش ریموند الویشن، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی گل محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.

- ماهنامه اخبار شیعیان، شماره های: ۵۱، ۵۲، ۶۸، ۷۶، ۹۱.

- "مرکز آمار اینترنت جهانی" قابل دسترس از:

<http://www.internetworldstats.com/middle.htm>

- "روزنامه های چاپ بحرین" قابل دسترس از:

http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_newspapers_in_Bahrain

- برگرفته از سایت بانک جهانی قابل دسترس از:

<http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL>

منابع لاتین

- Nakhleh emile, 2011, **bahrain: political development in a modernizing society**, london: lexington books.
- Pollack, kenneth m. 2011 introduction understanding the arab awakening, in kenneth pollack and et.al, the arab awakening: american and the transformation for the middle east, brookings institute press.
- Undp, 2009, arab human development report 2009, challenges to human security in the arab countries , berlut-new york.
- Mclean, lain, 1996, **concise dictionary of politics** , oxford university press.
- 1990·Belknap·MA·Cambridge.(James colman foundation of social theory.
- nill smelser, **socialcheng and modernity**, university of california press, 1992-
- Fakhro elham, hokayem emil, 2011, **waking the arabs**, survival, vol.53, no.2, may, april.
- Hafer kai, 2011, **introduction: mass media, politics and society in the maddle east** , cresskill and new jersi, hampton press inc.
- Harb, zahera, 2011, **arab revolution and the social media effect**, m/c journal, vol.14.
- Nakhleh emile, 2011, **bahrain: political development in a modernizing society**, london: lexington books.